

خاورمیانه و کرانه غربی رود اردن چه زمانی به حالت انفجاری می‌رسد؟



دمیتری مینین (DMITRY MININ): نقشه‌های طراحی‌شده توسط «صهیونیست‌های مذهبی»، به شدت به این امر کمک می‌کند
ا. م. شیری: جنگ‌ها ادامه سیاست‌اند. زمانی که زبان سیاست بند می‌آید، سلاح‌ها زبان می‌کشایند.

در متن رخدادهای وحشتناک در نوار غزه، جهان به رویدادهای بخش دیگر فلسطین که دو سوم کل جمعیت آن در آنجا زندگی می‌کند، تا اندازه قابل ملاحظه‌ای کمتر توجه دارد (کرانه باختری رود اردن ۴ و نیم میلیون نفر و اورشلیم شرقی، نیم میلیون نفر). در همین حال، اوضاع در آنجا هر لحظه ممکن است به یک انتفاضه (قیام) جدید منفجر شود. و اگر اسرائیل با وجود همه اعتراضات تاکنون توانسته با کمک آمریکا نوار غزه را منزوی کند و از مداخله مستقیم سایر کشورها و نیروها در اوضاع جلوگیری کند، کار بومی‌سازی درگیری حاد در کرانه باختری رود اردن، برایش بسیار دشوارتر خواهد بود.



بشر الخصاونه، نخست وزیر و وزیر دفاع کشور همسایه- اردن- پیش از این در [شیکه‌های اجتماعی](#) اعلام کرده بود که تلاش اسرائیل برای حل مشکل کرانه باختری رود اردن، از طریق اخراج جمعیت آن به خاک اردن، از سوی امان به عنوان اعلام جنگ تلقی خواهد شد. شکی نیست که اگر این اتفاق بیفتد، نه کشورهای حاشیه خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی و نه دیگر کشورهای عربی نمی‌توانند از رویارویی مستقیم با اسرائیل اجتناب کنند. به هر حال، ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، با سهم عادلانه از خون انگلیسی در رگ‌های خود، هنوز هم از نوادگان مستقیم حضرت محمد و «نگهبان» رسمی مقدسات اسلامی در

کوه معبد بیت المقدس است. فروپاشی کشور اردن در صورت رویارویی دست تنها با ارتش اسرائیل در برنامه‌های حاکمان اطراف گنجانده نشده است.

وجود «راست‌گراترین دولت تاریخ» کنونی اسرائیل به خودی خود در نیت آن برای «حل نهایی» مشکل فلسطینی‌ها از طریق اخراج آن‌ها به کشورهای عربی همسایه، دیگر هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد. طرح مربوطه برای غزه که ظاهراً توسط وزارت اطلاعات اسرائیل حتی قبل از حوادث ۷ اکتبر تهیه شده، پیشتر به مطبوعات درز کرده بود و واقعیت وجود آن توسط مقامات به رسمیت شناخته شد، اما «هنوز در سطح مطالعه». این واقعیت که نه تنها نوشته شده، حتی در واقعیت امر «در حال پیشرفت» است و از تمامی اتفاقی که در باریکهٔ مظلوم غزه و در اطراف آن روی می‌دهد، به وضوح مشاهده می‌شود.

یک طرح مشابه، اما پیچیده‌تر برای کرانهٔ غربی رود اردن نیز وجود دارد. آن را بتزالل سموتریچ، وزیر دارایی، رهبر حزب مؤتلفهٔ راست افراطی «صهیونیسم مذهبی» تدوین کرده که خواستار الحاق کل کرانهٔ باختری شده و برای فلسطینی‌ها سه گزینه در نظر گرفته است: ۱- با امتناع از هر گونه خواست ملی، به زندگی در سرزمین خود ادامه دهند؛ ۲- مهاجرت کنند؛ ۳- اگر آن‌ها مصمم به ماندن و جنگیدن باشند، به عنوان تروریست بدست قوای ارتش اسرائیل نابود می‌شوند. اسموتریچ وقتی که طرح خود را در جلسهٔ رهبران «صهیونیسم مذهبی» ارائه داد، از او سؤال شد که آیا قصد کشتن زنان و کودکان را هم دارد، پاسخ داد: «در جنگ باید مثل جنگ رفتار کرد».



[قیافهٔ این دیو خبیث- بتزالل سموتریچ را بخاطر بسپارید]

حتی اطرافیان نتانیاهو نیز این طرح را رد کردند. با این حال، «در دست اجرا» بودن آن را منطق اقدامات به عمل آمده در کرانهٔ باختری رود اردن و بیت المقدس شرقی کاملاً تأیید می‌کند.

مقاومت مسلحانهٔ گستردهٔ فلسطینی‌ها در ساحل غربی رود اردن هنوز شکل نگرفته است. زیرا، آن‌ها با تمام توان توسط سازمان میانه‌روتر الفتح به رهبری محمود عباس، رئیس جمهور فلسطین که به طور رسمی بخشی از این سرزمین را اداره می‌کند، عقب‌نشینی می‌کنند. علاوه بر این، فلسطینی‌های این بخش، سلاح کمتری نسبت به حماس در غزه در اختیار دارند. دره اردن، که می‌توانست از طریق آن تحویل داده شود، همیشه به شدت مین گذاری شده و توسط ارتش اسرائیل به شدت کنترل می‌شود. اما در این منطقه «برای مقاصد پیشگیرانه» از همان آغاز عملیات شمشیرهای آهنین، ارتش و نیروهای امنیتی اسرائیل در همه جا به سرکوب‌های گسترده دست زدند. هزاران «اغتشاشگر بالقوه» دستگیر شده است. زندان‌ها بیش از حد شلوغ هستند. هرگونه اعتراض مسالمت‌آمیز به

شدت سرکوب می‌شود. حدود ۲۰۰ نفر کشته و صدها نفر زخمی شده است. اقتصاد فلج شده است. زندگی مردم به شدت سخت شده است. نارضایتی حاد توده‌ای به درجه بحرانی خود نزدیک می‌شود.



فلسطینی بازداشت شده در کرانه غربی رود اردن



یورش به بخش عربی بیت‌المقدس

علاوه بر این، **ترور واقعی** علیه فلسطینیان در کرانه غربی رود اردن توسط شهرک‌نشینان یهودی از کیبوتسیم‌ها («پسران کوهستان») که زمین‌های آنها را به طور غیرقانونی اشغال کرده‌اند، به راه افتاده است. آنها زمین‌های کشاورزی را ویران می‌کنند، خانه‌ها را به آتش می‌کشند، به ساکنان آنها شلیک می‌کنند و همسایگان عرب خود را به طرق نشده اخراج می‌کنند. جمعیت شهرک‌نشینان یهودی در اینجا در حدود ۷۰۰ هزار نفر است و همه آنها بدون استثناء مسلح هستند. همین گروه از مردم، پایگاه اصلی انتخاباتی و پشتیبان دو حزب ضد فلسطینی ائتلاف حاکم در اسرائیل: «**قدرت یهود**» ایتمور بن گویر و «**صهیونیزم مذهبی**» بتزالل سموتریچ را تشکیل می‌دهند. این دو حزب به هر طریق ممکن حامیان خود را «تحریک می‌کنند». به ویژه، بن گویر، به عنوان وزیر امنیت ملی، **قصد دارد** ده‌ها هزار سلاح خودکار قوی‌تر از سلاح‌های قبلی بین شهرک‌نشینان توزیع کند. سموتریچ بعنوان

مقام مدیریت امور مالی، [دائماً از انتقال هر گونه وجه](#) به تشکیلات خودگردان فلسطین جلوگیری می‌کند.



بن گویر بین شهرک‌نشینان سلاح توزیع می‌کند

اوضاع به گونه‌ای پیش می‌رود که حتی بدون توجه به ارادهٔ نتانیاها و فرماندهی ارتش اسرائیل، این دو به همراه شهرک‌نشینان می‌توانند انفجار اعتراضی چنان قدرتمندی را برانگیزند که به آنها اجازه دهد تا در کرانهٔ غربی نیز به عملیات مشابه عملیات غزه دست بزنند. اتفاقی نبود که حتی جی ۷ نیز به گمان تشدید سناریوی واقعی درگیری، نسبت به رفتار شهرک‌نشینان در کرانهٔ باختری اظهار نگرانی کرد. مثلاً در جلسهٔ ویژهٔ آن در مورد وضعیت منطقه، در مورد آتش‌بس در غزه چیزی گفته نشد، آنها می‌گویند: «به سلامت بمباران کنید!» اما از سوی دیگر، «افزایش خشونت‌های افراطی شهرک‌نشینان علیه فلسطینی‌ها» را در یک بند جداگانه در بیانیهٔ پایانی [محکوم](#) کردند. پس، چرا خواستار اخراج آنها از سرزمین‌های اشغالی غیرقانونی نشدند؟

با این حال، نتانیاها برای مهار متحدان متعصب خود عجله نمی‌کند. زیرا، برای او راحت است که همان هدف را دنبال کند و مسئولیت آن را به گردن دیگران بیاندازد. خود او و دیگر مسئولان حزب لیکود بارها در تظاهرات‌ها و در مذاکرات مختلف با شرکای غربی گفته‌اند که دولت فلسطین در واقع، در اردن محقق شده و فلسطینی‌هایی که حاکمیت اسرائیل بر کل سرزمین‌های اشغالی را به رسمیت نمی‌شناسند، باید به آنجا بروند.

این تعبیر از «راه‌حل نهایی» مسئلهٔ فلسطین، امان را بیش از همه نگران کرده است. تا سال ۱۹۶۷، کرانهٔ باختری و بیت‌المقدس شرقی به طور کلی بخشی از اردن بودند، اما اکنون قاطعانه از پذیرش پناهجویان و بازگرداندن وضعیت قبلی که اتفاقاً بارها از سوی دولت‌های مختلف آمریکا، البته به استثنای شهرک‌های یهودی‌نشین، خواسته شده است، خودداری می‌کند.

همه چیز کاملاً ساده است. در حال حاضر در حدود ۱۱ میلیون نفر در اردن زندگی می‌کند. بر اساس تخمین‌های مختلف، از ۳۰ تا ۴۰ درصد آن را آوارگان فلسطینی دوره‌های گذشته و فرزندان آنها تشکیل می‌دهد. اگر چند میلیون دیگر نیز از موج جدید اضافه شود، در واقع اکثریت جمعیت را تشکیل خواهند داد. بعد از آن، مطالبهٔ انتخابات آزاد که در غرب بسیار محبوب است، پایان خاندان هاشمی خواهد بود. در دههٔ ۷۰ قرن گذشته، این کشور یکسری پیام‌های فلسطینی را تجربه کرده بود. اما، این سلسله تنها توسط «گارد چرکس» به دشواری نجات یافت (همهٔ «چرکس‌های» اردن- حدود ۳۰۰ هزار نفر- در قرن نوزدهم از قفقاز شمالی به آنجا مهاجرت کرده‌اند). برای ملک عبدالله دوم حتی جنگ با اسرائیل و قهر

با واشنگتن آسان‌تر از آن است که با چنین چشم‌انداز خودکشی و حفظ تاج و تخت خود موافقت کند. ملکه رانیا نیز که از نظر ملیت، یک فلسطینی (در اصل، نیمه فلسطینی) و وارث تاج و تخت ملک حسین است، با او موافق است. علاوه بر این، اردن به طور عینی دارای شرایط اقتصادی برای پذیرش چنین تعداد مهاجر نیست. زیرا، جز سواحل شرقی پرجمعیت رود اردن، بقیه قلمرو اردن عمدتاً بیابانی و برای زندگی مناسب نیست.

شایان توجه است که اسرائیلی‌ها روایت مشابهی را در مورد تصاحب یک کشور همسایه توسط فلسطینی‌ها که گویا «برای تشکیل کشور خود بسیار مناسب‌تر است»، تبلیغ می‌کنند و به آنها وعده کمک مالی می‌دهند. هیچ یک از رهبران جدی فلسطین نمی‌خواهند در مورد این طرح حتی فکر کنند.

لازم به ذکر است که حتی حامیان آمریکایی اسرائیل نیز ظاهراً زودگذر بودن و خطرات چنین طرح‌هایی را [درک می‌کنند](#) و سعی می‌کنند «به شیوه محتاطانه» نسبت به آنها هشدار دهند.

اما آمریکایی‌ها در ازای آن هیچ چیز قابل فهمی ارائه نمی‌دهند. بنابراین، خطر یک انفجار در مقیاس بزرگ در کرانه باختری رود اردن با چشم‌انداز گسترش به یک جنگ منطقه‌ای بسیار محتمل است.

بعد از ترجمه: با توجه به اینکه اسرائیل یک پادگان انگلوساکسون‌های فاشیست است، همه ساکنان پادگان مسلح هستند.

منتشر شده در: [تارنمای بنیاد فرهنگ راهبردی](#)

۲۲ آبان - عقرب ۱۴۰۲